

تدوین شاخص ترکیبی عدالت بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سنجش آن طی یک دوره هشت ساله



مرتضی عزتی*

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۷ تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۱۱

چکیده

هدف اصلی این نوشتار تدوین شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی و سنجش آن برای یک دوره هشت ساله است. اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و داده‌ها و اطلاعات آماری به روش اسنادی جمع‌آوری و تحلیل محتوا می‌شود. نشانه‌ها برای ساختن شاخص از قانون اساسی استخراج می‌شود و پس از استخراج اولیه اجزای مفهومی عدالت بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این اجزا به وسیله یک پیمایش بین نخبگان منتخب ارزیابی می‌شوند. شمار این نخبگان ۱۵ نفر بوده است. در مرحله بعد پس از جمع‌بندی نتایج پیمایش اول، برای وزن‌دهی بین اجزای مختلف شاخص نیز از پرسش‌نامه و پیمایش دوباره بین این افراد استفاده می‌شود تا ترکیب مورد نظر بر پایه دیدگاه نخبگان یادشده باشد. داده‌های آماری مورد نیاز برای اندازه‌گیری شاخص ترکیبی نیز شامل اطلاعات مختلفی می‌شود که اغلب توسط مرکز آمار ایران یا نهادهای جهانی گردآوری و در منابع منتشرشده توسط آنها درج شده‌اند. دوره زمانی بررسی در این پژوهش سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ است که داده‌های آن در دسترس است. اندازه‌گیری و بررسی شاخص‌ها، پس از جمع‌آوری داده‌ها و محاسبه شاخص‌ها، با استفاده از روش‌های آماری توصیفی انجام می‌شود.

واژه‌های کلیدی: عدالت، شاخص، قانون اساسی، ایران

طبقه‌بندی JEL: D63, K10, C43, O53

مقدمه

آفرینش انسان بر پایه عدالت انجام شده است، همچنان که خلقت همه هستی بر این پایه بنا شده است. بر پایه عدالت به انسان اندیشه داده شد تا از آن در راه‌های نیک بهره‌برد. پایه بسیاری از نیکی‌ها، عدالت است. پس اندیشه نیز خود موضوع عدالت است، چون بی اندیشه عادلانه نمی‌توان راه نیک و عادلانه یافت. بر این پایه است که از نخستین آموزه‌های پذیرفته‌شده در باورهای انسانی، اندیشه نیک است. به همین علت است که در نخستین اندیشه‌های ثبت‌شده انسانی از دستور پادشاهان و قانون آنها همچون قانون حمورابی و قانون کوروش و نخستین کتاب‌های آسمانی مانند اوستا و تورات، عدالت و پندار عادلانه پایه خوبی‌ها شمرده شده است.

همیشه و از سوی همه انسان‌ها ستم ناپسند شمرده شده و عدالت آیین پسندیدگان دانسته شده است. عدالت سخنی است که همه آن را به اجمال درک می‌کنند و آن را می‌پسندند، اما این عدالت مفهومی گسترده دارد که هیچ‌کس به همه ابعاد آن دست نیافته است. بنا بر همین ویژگی‌ها است که اندیشمندان نتوانسته‌اند از آن تعریف همه‌پسندی را ارائه کنند. خداوند اندیشه انسان را چنان آفرید که همه عدالت را درک کنند و آن را پسندند، اما عدالت را چنان آفرید که هیچ‌کس نتواند آن را در بند سخن درآورد. هرکس از آن سخن گفته است، همراه با اینکه سخن از عدالت گفته است نتوانسته است عدالت را چنان روشن کند که اندیشه، بدون چون و چرا آن را بپذیرد. هر اندیشمندی که از اندیشه خدادادی عادلانه‌تر بهره برده است و آن را بهتر به‌کار انداخته است، عدالت را بهتر درک کرده است و سخن او دربارہ عدالت پذیرفته‌تر شده است. گذری در اندیشه عدالت نشان می‌دهد آنان که بی‌راهه رفتند عدل را با ستم یکی انگاشتند و یا آن را انکار کردند و آنان که تلاش صادقانه کردند گوشه‌هایی از آن را روشن کردند. اما ژرفای اندیشه عدالت به اندازه‌ای



گسترده است که هرکس که بر آن شده تا آن را خود بشناسد و به دیگران بشناساند، چون کسی که در تاریکی بر پیلی دست می‌زند گوشه‌ای از آن را شناخته و به‌عنوان عدالت معرفی کرده است. اندیشه‌هایی که از روشنایی خداوند بهره گرفته‌اند توانسته‌اند عدالت را بهتر معرفی کنند و آنان که تلاش کردند با کنار نهادن راهنمایی‌های خداوندی آن را بشناسند، هرچند عقل و اندیشه‌ای که به‌کار می‌برند ساخته‌اند آفریننده عادل و برگرفته از کمال این آفریننده است و برای برطرف کردن نیاز انسان کافی است، اما این عقل برای همه چیزدان شدن، زمان بسیار می‌خواهد که در دسترس انسان نیست.

عدالت یکی از آرمان‌های دیرین و همگانی آدمی است. اندیشمندان از دیرباز دیدگاه‌های گسترده‌ای درباره عدالت بیان کرده‌اند. مردم و حکمرانان مردمی نیز همواره در پی برپایی عدالت بوده‌اند و آن را هدف و آرمان خود دانسته‌اند. با این‌همه درباره عدالت از دید مفهوم و نیز از دید شاخص‌های کارکردی و اندازه‌گیری عدالت دیدگاه واحدی وجود ندارد، به‌ویژه هنگامی که سخن از اندازه تحقق عدالت می‌شود، هیچ اندیشمندی عدالت را به‌کامل تحقق یافته نمی‌بیند و همواره آدمیان را تشنه برپایی آن بیان می‌کند. در دیدگاه اسلامی، عدالت بیشتر به‌معنای برپایی حق و دادن حق همه انسان‌ها دانسته شده است. از دید بسیاری، عدالت فضیلت و منبع و ریشه همه فضیلت‌ها است. با نگاه به اینکه واژه عدالت، مفهوم بنیادی و در ارتباط با سعادت و کمال انسانی است، بسیاری از اندیشمندان به آن پرداخته و درباره آن دیدگاه داشته‌اند. به‌ویژه، دین‌های خدایی به آن پرداخته‌اند و گفته شده است پیامبران برای اجرای قسط و عدل برانگیخته شده‌اند. در دین اسلام به‌روشنی عدالت، محور و پایه فرستاده شدن پیامبران^۱ از سوی خدا و نیز تشکیل حکومت و دولت از سوی آنها دانسته شده است.^۲ در همین راستا جمهوری اسلامی ایران از نگاه قانونی به‌ویژه قانون اساسی، عدالت‌محوری را یکی از هدف‌های اصلی

۱. سوره حدید آیه ۲۵

۲. این دیدگاه به‌صورت صریح از سوی حضرت امام خمینی بیان شده است. برای اطلاع مراجعه شود به شئون و اختیارات ولی فقیه، ص ۲۰/ وصیتنامه امام خمینی، ص ۱۴/ صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۸۴، ج ۱۵ ص ۹-۱۴۶، ج ۱۸، ص ۳۳ و....



خود می‌داند و خواهان برنامه‌ریزی برای دستیابی به آن است؛ از این رو ضرورت دارد مفهوم عدالت را بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعریف کرده، شاخص‌های مناسبی برای اندازه‌گیری عدالت اجتماعی در ابعاد مختلف طراحی و تدوین کنیم و آمارهای مناسب نیز جمع‌آوری و تحلیل شود تا بتوان با شناخت وضع موجود عدالت اجتماعی بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران زمینه‌های برنامه‌ریزی و نظارت برای تحقق عدالت در ابعاد مختلف را فراهم کرد. هدف این مقاله تدوین شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی و سنجش آن طی یک دوره هشت‌ساله است.

در این بررسی داده‌ها به روش اسنادی جمع‌آوری و تحلیل می‌شود. مفهوم‌ها و نشانه‌ها برای ساختن شاخص از قانون اساسی استخراج شده و پس از استخراج اولیه اجزای مفهومی عدالت بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این اجزا به‌وسیله یک پیمایش بین نخبگان منتخب ارزیابی می‌شوند. شمار این نخبگان ۱۵ نفر بوده است. در مرحله بعد پس از جمع‌بندی نتایج پیمایش نخست، برای وزن‌دهی بین اجزای مختلف شاخص نیز از پرسش‌نامه و پیمایش دوباره بین این افراد استفاده می‌شود تا ترکیب مورد نظر بر پایه دیدگاه نخبگان یادشده باشد. داده‌های آماری مورد نیاز برای اندازه‌گیری شاخص ترکیبی نیز شامل اطلاعات مختلفی می‌شود که بیشتر آنها از سوی مرکز آمار ایران یا نهادهای جهانی گردآوری و منتشر شده‌اند. دوره زمانی مورد بررسی در این پژوهش سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ است که داده‌های آن در دسترس است.

چارچوب این نوشتار پس از مقدمه، دربرگیرنده پیشینه عدالت، مفهوم عدالت بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دسته‌بندی حقوق معیار عدالت، شاخص‌های موجود برای مفاهیم ارائه‌شده برای عدالت اجتماعی، پیمایش برای ارزیابی شاخص‌های عدالت و وزن‌دهی به اجزای شاخص ترکیبی، ارائه شاخص ترکیبی نهایی براساس نتایج مطالعات و پیمایش، محاسبه زیرشاخص‌ها و شاخص‌های هر یک از ابعاد عدالت اجتماعی برای هشت سال گذشته، روند شاخص‌های عدالت اجتماعی، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری است.

۱. پایه‌های نظری و پیشینه عدالت اجتماعی در اسلام

اگر بخواهیم مفهوم عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلامی را بیان کنیم، می‌توانیم با گذری بر اندیشه‌های اندیشمندان اسلامی و یا نگاهی به آیات قرآن و روایات معصومین (س) آن را به‌دست آوریم. در اینجا نخست نگاهی به دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان مسلمان در این زمینه می‌کنیم و پس از آن گذری بر قرآن و سنت در این باره خواهیم داشت تا برداشت برتر از مفهوم عدالت با دیدگاه اسلامی را نشان دهیم.

۱-۱. عدالت اجتماعی در اندیشه اندیشمندان مسلمان

می‌توان گفت نخستین اندیشمند مسلمان پس از رهبران دینی اولیه اسلامی که در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اندیشه‌های یکپارچه‌ای داشته است، **فارابی** است. پس از او اندیشمندان دیگری نیز در این زمینه دیدگاه‌هایی ارائه کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱-۱-۱. محمد فارابی

ابونصر محمد فارابی (۲۵۷/۲۵۹-۳۳۹ ه.ق) از نخستین اندیشمندان مسلمان است که به‌گونه‌ای یکپارچه فلسفه حکومت را با نگاهی اسلامی ارائه کرده است. او همراه مطرح کردن جنبه‌های گوناگون عدالت به عدالت اجتماعی در اداره جامعه نیز به‌خوبی پرداخته است. او عدالت را به‌عنوان یک ویژگی خداوند و آفرینش او پایه این جهان و نظام حاکم بر آفرینش می‌داند. فارابی عدالت به‌عنوان یک ویژگی اخلاقی را نیز می‌پذیرد و آن را بر پایه رفتار عادلانه فردی، یک برتری (فضیلت) فردی و انسانی می‌داند. فارابی در برداشت اجتماعی خود از عدالت آن را رعایت شایستگی افراد در توزیع منابع می‌داند.

۱-۱-۲. ابن مسکویه

ابوعلی الخازنه محمدبن یعقوب (دارای شهرت ابن مسکویه) (۴۲۱-۳۲۵ ه.ق) از دیگر اندیشمندان نخستین اسلامی است که درباره عدالت اجتماعی نظر داده است. در دیدگاه این اندیشمند ایرانی عدالت قرار دادن هر چیزی در جایگاه خودش



و دادن حق هر صاحب حقی به او و پایدار کردن روابط بین پدیده‌ها بر پایه عدالت آفرینش است. همچنین او وظیفه حاکم جانشین پیامبر(ص) را از بین بردن هرگونه ظلم، برپایی عدالت و حکمرانی بر پایه عدالت می‌داند (عیوضلو، ۵۶).

۳-۱-۱. خواجه نصیرالدین طوسی

محمد نصیرالدین طوسی (۷۵۵-۶۷۰ ه‍.ق) اندیشمند برجسته‌ای که به نخست‌وزیری رسید، دیدگاهی مانند ابن مسکویه اما کلی‌تر از آن دارد. او قرار دادن هر چیزی در جایگاه خود را عدالت می‌داند و جایگاه هر چیزی را بهترین شکل آن چیز می‌داند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از خوبی‌ها را در عدالت می‌گنجانند، مانند: راستی، نزدیکی و محبت، وفاداری، مهربانی، دیدار نزدیکان، مکاتبات، نیکی، شرکت، دوستی، تسلیم در برابر خدا، توکل به خدا، پرستش خدا و همچون اینها (طوسی، ۷۹). خواجه نصیرالدین طوسی، عدالت را کامل‌ترین ویژگی (فضیلت) انسان (طوسی، ۲۵۹) برقراری آن در جامعه را عامل پایداری و نگهداشت گونه انسانی می‌داند (طوسی، ۱۱۳).

۴-۱-۱. ابن خلدون

عبدالرحمان محمد ابن خلدون (۸۰۸-۷۳۲ ه‍.ق) در مقدمه کتاب تاریخ خود بسیاری از اندیشه‌های اجتماعی خود را نوشته است. بیشتر پایه‌های اندیشه او از پیشینیان گرفته شده است. او در جایی نگهداشت و پایداری دین، نفس، نسل، عقل و مال را به پیروی از دیدگاه **ابن تیمیه** مصلحت می‌داند و خدشه وارد شدن به این پنج بخش از مصلحت را ظلم می‌داند و ظلم را نقیض عدل می‌داند. این‌گونه او عدل را تعریف می‌کند. او در جایگاه‌های دیگر، عدالت را به معنای اعتدال و حد وسط، ماهیت آفرینش جهان از سوی خداوند، نهادن هر چیزی در جایگاه خودش، رعایت شایستگی‌ها در دادن هر چیزی به افراد و رعایت استحقاق‌ها و عدالت به معنای برپایی سیاست شرعی به کار می‌برد. عدالت به معنای سیاست شرعی از کتاب «احکام سلطانیه» **ابوالحسن ماوردی** گرفته شده است. روشن است که معنای دیگری که از سوی ابن خلدون برای عدالت به کار برده شده است، از سوی اندیشمندان دیگر پیشین نیز بیان شده است.

شاید بتوان گفت ابن خلدون آخرین اندیشمند مسلمان در دوره‌های گذشته است که اندیشه‌های نو بیان کرده است. بیش از پانصد سال کشورهای اسلامی از اندیشمندان بزرگی که دیدگاه‌های علمی نو داشته باشند، محروم بوده‌اند. برخی از اندیشمندان دوره ما نیز درباره عدالت اجتماعی دیدگاه‌هایی براساس دانش امروز ارائه کرده‌اند که آنها را نیز یادآوری می‌کنیم.

۵-۱-۱. سید قطب

سید قطب (۱۳۲۴-۱۳۸۷ هـ.ق) در کتاب «عدالت اجتماعی در اسلام» دیدگاه‌های خود در این زمینه را بیان کرده است. ایده محوری اندیشه‌های او درباره عدالت، برابری انسان‌ها است. در کنار این محور، او آزادی و تکامل اجتماعی پایدار را نیز به‌عنوان اصل‌های دیگر عدالت اجتماعی اسلام می‌داند.

۶-۱-۱. مرتضی مطهری

مرتضی مطهری (۱۳۵۸-۱۲۹۸ هـ.ش) دیدگاه‌های خود درباره عدالت را در چند کتاب و نوشته خود ارائه می‌کند. ایشان در کتاب «عدل الهی» به‌شکل گسترده به مفهوم و جنبه‌های عدالت پرداخته است. عدالت از دیدگاه او به‌معنای برابری بین انسان‌ها، در برابر تبعیض به‌معنای بی‌عدالتی، توازن و در جایگاه خود گذاشته شدن در نظام آفرینش در برابر بی‌نظمی و نابسامانی و دادن حق هر کسی به او و اجتماع در برابر ستم است. بر این پایه می‌توان گفت در اندیشه‌های مطهری عدالت اجتماعی به‌معنای دادن حق هر صاحب حقی به او است.

مطهری در زمینه دیدگاه‌های دیگر عدالت نیز نگرش خود را مطرح کرده است. او عدالت به‌معنای کارکرد متوازن و متناسب در اجتماع در زمینه‌های گوناگون را یک برداشت از عدالت می‌داند و می‌نویسد اگر اجتماع بخواهد پایدار بماند، باید متعادل باشد و هر چیزی در آن به‌قدر لازم نه مساوی- باشد. یک اجتماع متعادل به کارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضایی و تربیتی نیاز دارد. این کارها باید بین افراد تقسیم شود و باید در آنها اندازه نیاز در نظر گرفته شود و برای هر یک به اندازه نیاز امکانات صرف شود. او با برداشت توازن و تناسب در نظام آفرینش (مطهری، ۱۳۸۸) در معنای عدالت به مفهوم مساوات، عدالت را ایجاد شرایط یکسان برای

همه و کنار زدن یکسان موانع برای همه تعریف می‌کند (مطهری، ۱۴۰۳، ۱۵۷). او این برداشت را در جای دیگر این‌گونه روشن می‌کند که این به معنای آن نیست که هیچ‌گونه استحقاقی رعایت نمی‌شود، بلکه دادن مساوی به استحقاق‌های مساوی است (مطهری، ۱۳۸۸، ۶۱-۶۰). وی می‌نویسد اگر این برداشت در نظر باشد عدالت به معنای دادن امکانات به هرکس به اندازه حق او است و این را عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلامی می‌داند و پایمال کردن حق دیگران را ظلم می‌داند.

۷-۱-۱. محمد باقر صدر

صدر (۱۳۵۹ هـ ش) تلاش می‌کند برپایه قانون شرع، عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلامی را تبیین کند. او عدالت را پایه‌ای‌ترین ویژگی در اقتصاد اسلامی و یک اصل اسلام و برپایی آن را پایه‌ای‌ترین هدف اقتصاد اسلامی می‌داند. وی برای عدالت اجتماعی جنبه اخلاقی عدالت در اسلام و نیز جنبه حکومتی عدالت را پایه می‌داند و می‌نویسد عدالت اجتماعی در اسلام بر دو زیرساخت پایه‌ریزی شده است: یکی توازن اجتماعی و دیگری همکاری همگانی که این دو را توضیح می‌دهیم.

توازن اجتماعی: صدر ناهمسانی انسان‌ها را می‌پذیرد و پایه آفرینش را چنین می‌داند که انسان‌ها در توانایی‌ها با هم یکی نیستند. چون او پایه ثروت را کار می‌داند، می‌نویسد که انسان‌های دارای توانایی همسان، کار ناهمسان می‌کنند و به کار ناهمسان باید درآمد ناهمسان داده شود. بر این پایه از دیدگاه او برابری درآمد همه پذیرفته نیست و درآمد باید به تناسب کار انجام شده باشد. پس از نظر درآمد، افراد می‌توانند ناهمسان باشند. اما از نظر زندگی برپایه سطح اجتماعی و موقعیت کاری خود در هر سطحی که هستند باید بتوانند برای خود زندگی یکسانی با هم‌سطح‌های خود فراهم کنند. به سخن دیگر، صدر عدالت به معنی برابری را می‌پذیرد، اما این برابری در محدوده ویژه هم‌سطح‌ها و تنها در معیشت است و برابری درآمدها از دیدگاه او پذیرفته نیست (صدر، ۱۳۵۶: ۳۳۱).

همکاری همگانی: بر پایه یک اصل اخلاقی اسلامی، همه افراد در برابر دشواری‌های یکدیگر مسئولیت دارند. برخی از قوانین دینی نیز بخشی از این مسئولیت‌ها را اجباری کرده است. برپایه اندیشه‌های صدر، عامل معنوی و اخلاقی

فردی و وظیفه‌داری حکومت، ضامن اجرای اصل همکاری همگانی برای تأمین نیازهای افراد جامعه است. این همکاری ایجادکننده توازن اجتماعی در فراهم کردن امکانات برای تأمین نیازهای (معیشت) نیازمندان است (صدر، ۱۳۵۶: ۳۶۸-۳۶۳). برپایه استدلال‌های کتاب «اقتصاد ما» می‌توان گفت، صدر در تبیین دیدگاه خود از حقوق شرعی فرد و جامعه نسبت به یکدیگر بهره می‌گیرد و آنها را در چارچوب حقوق برابر افراد و یا محدودیت‌های برابری‌ها بیان می‌کند.

۱-۱-۱. محمد رضا حکیمی

محمد رضا حکیمی (۱۳۱۴ ه.ش) در مجموعه «الحیات» با استفاده از آیات و روایات تلاش کرده است دیدگاه خود درباره اقتصاد را تبیین کند. او عدالت را هدف نهایی نظام و مبنای بی‌همتای احکام اقتصادی اسلام می‌داند (حکیمی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۲۶). برداشت او از عدالت بر معنای توازن اجتماعی، پایدار شده است. او شکاف و تفاوت درآمدی و ثروتی را به معنای نامتوازن شدن و همان بی‌عدالتی می‌داند. جامعه عادلانه‌تر از دیدگاه او جامعه‌ای است که در آن دارایی و مصرف مردم همسان‌تر باشد (حکیمی، ۱۳۶۷، ج ۶: ۱۵۳). دیدگاه حکیمی در نوشته‌های دیگرش اندکی تغییر کرده است و برابری در مصرف را ملاک عدالت اسلامی می‌داند و در جایی بیان می‌کند این برابری را نیز به صراحت بیان نکردیم (حکیمی، ۱۳۸۳: ص ۶۰).

اندیشمندان بسیار دیگری نیز در نوشته‌های خود به عدالت پرداخته‌اند. برخی از آنها در پی تعریف عدالت برآمده‌اند و برخی گوشه‌هایی از آن را روشن کرده‌اند. از جمله این اندیشمندان، محمد حسین طباطبایی است که در «تفسیر المیزان» زیر آیه‌هایی که به عدالت اشاره داشته است، نظراتی در این زمینه داده‌اند. ایشان در تعریفی برای عدالت زیر آیه می‌نویسد، عدالت اجتماعی عبارت است از اینکه با هریک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن هستند و در جایی، جای داده شوند که شایسته آن هستند و این ویژگی اجتماعی است که همه مأمور انجام آن هستند (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۲۴: ۲۴۶-۲۴۳).

امام خمینی (ره) نیز درباره عدالت و به‌ویژه ضرورت اجرای آن دیدگاه‌هایی

داشته‌اند که در جایگاه‌های گوناگون بیان کرده‌اند. در دیدگاه ایشان عدالت به معنای گوناگون به کار رفته است: عدالت به معنای دادن حق صاحبان حق، برخوردها برپایه شایستگی‌ها، برابری، توازن اجتماعی، انصاف، بی‌طرفی و مانند اینها (عزتی، ۱۳۷۸).

۲-۱. عدالت در قرآن و سنت

عدالت در قرآن و سنت به طور گسترده مطرح شده است. خداوند در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید: به پیامبران میزان و حدید دادیم تا مردم را برای قیام به قسط برانگیزند. خداوند در آیه ۹۰ سوره نحل نیز فرمان همگانی برای تلاش در جهت اجرای عدالت می‌دهد. در جای‌جای قرآن، سخن از عدالت و دادن حقوق دیگران رفته است. در قرآن کریم عدالت و برپا داشتن قسط یکی از ویژگی‌های خداوند دانسته شده است. افزون بر این در آیات بسیاری از قرآن، خداوند از ستم کردن، پاک دانسته شده است. آیه ۱۸ سوره آل‌عمران می‌فرماید: «شهد الله انه لا اله الا هو و الملائكة و اولوالعلم قائماً بالقسط: خداوند و فرشتگان و دانشمندان گواهی می‌دهند که خداوندی جز خدای یکتا که برپادارنده قسط است وجود ندارد». بر این پایه عدل یک ویژگی خداوند است.

همچنین آیات قرآن نشان می‌دهند که پایه‌های قیامت هم بر عدل استوار است و برپایی قیامت برای این هدف است. آیه ۴۷ سوره انبیاء چنین است: «و نفع الموازين القسط ليوم القيامة فلا تظلم نفس شيئا و ان كان مثقال حبة من خردل آتينا بها و كفا بنا حاسبين: ترازوهای معیارهای مبتنی بر قسط را در روز قیامت برپا می‌کنیم. و به هیچ کس ستم نخواهد شد و اگر کسی کاری بسیار اندک انجام داده باشد آن را در ترازوها می‌گذاریم و این بس که ما حسابگر هستیم». این چند نکته که یادآوری کردیم نشان‌دهنده پیوستگی، توحید، پیامبری و قیامت به عدل است. یعنی اصول سه‌گانه دین با عدل پیوند بی‌چون و چرایی دارند.

در آیه‌های قرآن به جنبه‌های گوناگونی از عدالت نیز توجه شده است. مانند اینکه تأییدکننده و حکم‌دهنده عادل باشد (مائده، ۹۵)، شاهد عادل باشد (طلاق، ۲) خداوند عادل‌ها را دوست دارد (حجرات، ۹، مائده ۴۲ و ممتحنه، ۸)، خداوند

دستور داده است انسان‌ها به عدالت رفتار کنند (نحل، ۹۰، اعراف، ۲۹ و یوسف، ۴۰) و جنبه‌های بسیار دیگری که در نوشته‌های بسیار موجود در این زمینه آورده شده است.

در سخنان پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) و یازده امام (ع) دیگر نیز سخنان بسیاری درباره عدالت آمده است که شاید بتوان گفت بخش بسیاری از آنها در تفسیر این آیه‌ها ذکر شده است.

- پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: آسمان‌ها و زمین بر پایه عدل استوار شده‌اند.

- حضرت علی (ع) درباره عدالت سخنان بسیاری دارد که می‌توان آنها را روشن‌کننده مفهوم و جنبه‌های عدالت دانست. آن حضرت درباره اهمیت عدالت می‌فرماید: «عدل ستونی است که هستی بر پایه آن پایدار است» (بحار، ج ۷۸: ۸۳)، هیچ چیزی مانند عدل نمی‌تواند مایه آبادانی شهرها شود (غررالحکم، ۴۰۷) و به سیاست‌مداران سفارش می‌کند عدل را شمشیر خود برای اصلاح کارها قرار دهید و در جایی می‌فرماید عدل بر ایثار برتری دارد.

- سخنان امامان (ع) درباره عدالت بسیار گسترده است. در اینجا برای آشنایی بیشتر و جلوگیری از تکرار به کتاب «الحیاء» ارجاع می‌دهیم که بیشتر آنها را به صورت یکجا آورده است. درباره مفهوم عدالت می‌توان گفت بیشترین سخنان از حضرت علی (ع) آورده شده است. ایشان درباره عدل در جایگاه‌های بسیاری سخن گفته‌اند. دو تعبیر ایشان جامع‌تر است و بیان‌های دیگر با مصداق‌ها و بیان مصداق تعبیر می‌شود. این دو تعبیر از عدالت چنین است:

- العدل وضع الشیء فی موضعه، عدالت جای دادن هر چیزی در جایگاه خودش است.

- العدل اعطای کل ذی حق حقه: عدالت حق هر صاحب حقی را به او دادن است.

اگر دقت کنیم این تعبیرها یک مطلب را می‌گویند و آن قرار دادن هر چیزی در جایگاه خودش است که رویکرد و نگاه دیگری از دادن حق هر صاحب حق به او است. این پایه از دیدگاه بیشتر اندیشمندان مسلمان پذیرفته شده است. برای نمونه، مطهری (عدل الهی، ۱۳۸۸) علامه طباطبایی (المیزان، ج ۲۴: ۶-۲۴۳) امام



خمینی (ره) (عزتی، ۱۳۷۸) و مانند اینها. بنابراین می‌توان گفت این مفهوم در آیات و روایات پذیرفته شده‌تر است که عدالت به معنی دادن حق هر دارنده حقی به خود او است. ما این مفهوم را برای عدالت پذیرفته شده در نظر می‌گیریم و درباره آن توضیحی می‌دهیم تا این مفهوم روشن‌تر شود.

برپایه یافته‌هایی که بیشتر اندیشمندان مسلمان از عدالت داشته‌اند، به‌ویژه برپایه تعریف روشن حضرت علی (ع) درباره عدالت ما می‌پذیریم که عدالت به معنای دادن حق صاحبان حق به خود آنها است. شاید بتوان گفت در قرآن بیش از آنکه به عدالت پرداخته شده باشد، سخن از ناپسندی ظلم و ناحق‌های گوناگون در چارچوب‌های ستم، اجحاف، نادیده گرفتن دیگران، تجاوز و مانند اینها گفته شده باشد. اینها نشان‌دهنده آن است که عدالت به معنای دادن حق هر دارنده حق به او معنای درست‌تر و پذیرفته‌شده‌تری برای عدالت از دیدگاه قرآن باشد. زیرا می‌توان گفت همه معناهای یادشده به‌گونه‌ای زیر پا گذاشتن حق دیگران و برداشت از حق دیگران است که در برابر پسندیده و پایه بودن عدالت، ناپسند و ناپذیرفتنی دانسته شده‌اند.

در دیدگاه اجتماعی که عدالت با پسوند اجتماعی یعنی عدالت اجتماعی گفته می‌شود، عدالت به معنای پذیرفته شده ما دادن حق انسان‌ها و جامعه است. برای روشن شدن عدالت در این زمینه‌ها همراه با دعوت قرآن به عدالت، از شرایط نبود عدالت سخن گفته شده است که واژه ظلم یا همان ستم یا واژه‌های دیگر نشان‌دهنده هدف، به‌کار برده شده است. این واژه‌ها بیشتر برای حالت‌هایی که یکی از حق‌های فردی انسان‌ها یا حق جامعه نادیده گرفته شده است به‌کار رفته‌اند.

به علت گستردگی کارهایی که ناحق را می‌سازند، شمار این واژه‌ها در قرآن بیشتر است. از جمله آنها می‌توان به واژه‌های، ظلم، جور، علو و یا واژه‌هایی که نشان‌دهنده دزدی، کم‌فروشی، تصرف، تصاحب جایگاه، خوردن مال دیگران و مانند اینها است، یاد کرد. می‌توان گفت در قرآن حق، دامنه گسترده‌ای دارد و از آن برداشت کرد که حق‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مانند آن برای هر یک از افراد جامعه و نیز برای همه جامعه یکجا در نظر است.

برپایه دیدگاه اسلامی بیشتر حق‌هایی که افراد و جامعه دارند از سوی خداوند

روشن شده است. برخی از آنها که برپایه زمان و جایگاه ایجاد می‌شود نیز می‌توانند از روی پایه‌های تشریح از سوی متخصصان فن بیرون آورده و روشن شود. بر این اساس در هر جامعه‌ای برپایه فرهنگ، سنت‌ها و دیگر شرایط پیرامونی حق می‌تواند، اندکی گسترده‌تر یا محدودتر تعریف شود. چنان‌که امروزه در هریک از کشورهای اسلامی که قوانین آنها برپایه دین تدوین و پیاده می‌شود، حقوق افراد و جامعه اندکی با کشورهای دیگر تفاوت دارد.

در برابر این دیدگاه نیز دیدگاهی وجود دارد که حقوق تعیین شده از سوی دین ثابت برای همه جامعه‌ها یکسان است. اما آنچه در نگرش متخصصان با دیدگاه‌های متفاوت دیده می‌شود، این است که می‌توان گفت آنچه اکنون در جامعه‌ها برپا است، حقوق ناهمسان است. اگر ما بخواهیم به خوبی این حقوق را برای جامعه روشن کنیم، می‌توانیم حقوقی را که در آن جامعه تدوین و پیاده شده است در نظر بگیریم. اگر برپایه اسلام تدوین و پیاده شده است، بپذیریم که حقوقی اسلامی است.

قانون اساسی هر کشوری حقوق اساسی مردم آن کشور را روشن کرده و در خود گنجانده است. می‌توانیم به این قانون به‌عنوان پایه حقوق مردم در برابر یکدیگر، دولت در برابر مردم، مردم در برابر جامعه و مانند اینها نگاه کنیم. پایه‌ای که برای همه حقوق مردم است. چون قانون اساسی کشور ما از سوی متخصصان دین (فقیهان) و متخصصان دانش‌های روز برپایه دین و جایگاه کشور تدوین و از سوی مردم پذیرفته شده است، می‌توانیم آن را حقوق تعیین شده پذیرفتنی از سوی اسلام بدانیم. به‌رحال مهم‌تر از آن، این است که این قانون اکنون قانون اساسی کشور است و تنها معیار پایه‌ای تعیین حقوق اساسی مردم در کشور است که برپایه اسلام تدوین شده و اداره کشور باید برپایه آن انجام شود. هر چیزی که با آن در مغایرت باشد قانون قابل پذیرش و پیاده کردن نیست و هر چیزی که بخواهد پیاده شود باید در راستای آن پای گرفته باشد.

افزون بر این روشن است که قانون اساسی کشور ما برپایه دین اسلام و برگرفته از قرآن و سنت است و از سوی متخصصان بسیاری درستی این مطلب پذیرفته شده است. البته ممکن است دیدگاه برخی این باشد که این قانون با دیدگاه و برداشت ویژه‌ای از اسلام تدوین شده است. با این وجود دیدگاه‌های دیگری نیز

می‌تواند با اسلام سازگار باشد. اما آنچه اکنون ما در دست داریم و می‌توانیم برترین ملاک پذیرفته‌شده در جامعه بدانیم، همین قانون اساسی است که اگر برپایه آن ملاک‌های عدالت را تدوین و پیاده کنیم، برترین ملاک‌ها خواهند بود.

۲. مفهوم عدالت برپایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

برپایه بررسی انجام‌شده، می‌توان چنین برداشت کرد که در قانون اساسی، بیشتر عدالت به معنای دادن حق هر دارنده حقی در نظر گرفته شده است. زیرا آنجا که سخن از عدالت، عدل و قسط است، مفهوم کلی آن بیان شده است و یا عهده‌داری برپایی آن از سوی بخش‌های نظام و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در رده‌های گوناگون روشن شده است. بر این پایه، مفهوم عدالت در قانون اساسی به‌عنوان یک مفهوم کلی بیان شده است و آنجایی که هدف، روشن کردن چگونگی اجرای آن بوده است بیشتر در چارچوب حقوق مردم یا وظایف و مسئولیت‌های سازمان‌ها، نهادها و کارگزاران بیان شده است. این چارچوب‌ها روشن‌کننده حقوق مردم است. می‌توان گفت همه حقوقی که در قانون اساسی آورده شده است، حقوق مردم است و باید به آنها داده شود، اگر داده نشود و در دادن آنها کوتاهی شود، ستم شده است و با تعریف عدالت به معنای دادن حق هر دارنده حقی، عدالت زیرپا گذاشته شده است. در اینجا حقوقی از ملت که جنبه کاربردی دارد و می‌توان آنها را با مصداق، روشن کرد و حالت کلی مانند برقراری قسط، عدل، رفع ستم و همچون اینها را ندارد فهرست می‌کنیم.

- داشتن محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی (اصل ۳، بند ۱ و اصل ۴۳)؛
- مبارزه با فساد و تباهی (اصل ۳، بند ۱)؛
- حق بالا بردن آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با به‌کارگیری رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر (اصل ۳، بند ۲ و اصل ۴۳)؛
- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان (اصل ۳، بند ۳)؛
- تسهیل و تعمیم آموزش عالی (اصل ۳، بند ۳)؛
- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در همه زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی (اصل ۳، بند ۴)؛

- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی (اصل ۳، بند ۶)؛
- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی (اصل ۳، بند ۷ و اصل‌های ۹، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۲، ۳۸ و اصل ۱۵۶، بند ۲ و...)
- مشارکت همه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (اصل‌های ۶، ۷، ۴۳ و ۱۰۰، بند ۸ و اصل ۳ و...)
- رفع تبعیض (اصل ۳، بند ۹ و اصل‌های ۴۸، ۱۰۱ و ۱۰۴)؛
- نظام اداری سالم (اصل ۳، بند ۱۰ و اصل ۱۴۸)؛
- آموزش نظامی عمومی (اصل ۳، بند ۱۱)؛
- اقتصاد سالم عمومی (اصل ۳، بند ۱۲)؛
- رفاه (اصل ۳، بند ۱۲)؛
- رفع فقر (اصل ۳، بند ۱۲)؛
- برطرف کردن محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت (اصل ۳، بند ۱۲ و اصل‌های ۲۹ و ۴۳)؛
- تعمیم بیمه (اصل ۳، بند ۱۲ و اصل‌های ۲۹ و ۴۳)؛
- تأمین حقوق همه‌جانبه افراد و امنیت قضایی عادلانه (اصل ۳، بند ۱۴)؛
- حق مالکیت بر درآمد و دارایی (اصل ۴۶)؛
- برابری همه در برابر قانون (اصل ۳، بند ۱۴)؛
- برادری اسلامی و تعاون عمومی (اصل ۳، بند ۱۵)؛
- داشتن و استحکام خانواده (اصل ۱۰)؛
- برخورداری از مقررات مذهبی در مناطق برای اقلیت‌ها (اصل ۱۲)؛
- برابری قومی، نژادی، زبانی و مانند این‌ها (اصل ۱۴)؛
- برابری حقوق زن و مرد (اصل ۲۰)؛
- ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن (اصل ۲۱، بند ۱)؛
- حمایت از مادران (اصل ۲۱، بند ۲)؛
- حمایت از کودکان بی‌سرپرست (اصل ۲۱، بند ۲ و ۵ و اصل ۲۹)؛
- دادگاه خانواده (اصل ۲۱، بند ۳)؛
- بیمه بیوگان و زنان سال‌خورده و بی‌سرپرست (اصل ۲۱، بند ۴ و اصل‌های

۲۹ و ۴۳)؛

- مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص (اصل‌های ۲۲ و ۳۹)؛

- آزادی رسانه‌ها (مطبوعات و نشریات) (اصل ۲۴)؛

- آزادی شغل (اصل‌های ۲۸ و ۴۳)؛

- داشتن شغل (اصل‌های ۲۸ و ۴۳)؛

- تأمین اجتماعی برای بازنشستگی، بی‌کاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث، سوانح، خدمات بهداشتی، درمانی و مراقبت‌های پزشکی (برای یک‌یک افراد) (اصل‌های ۲۹ و ۴۳)؛

- داشتن مسکن (اصل‌های ۳۱ و ۴۳)؛

- دسترسی به دادگاه (اصل ۳۴)؛

- داشتن وکیل (اصل ۳۵)؛

- جلوگیری از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از

موقعیت تصرف زمین‌های عمومی، اماکن فساد (اصل ۴۹ و اصل ۱۵۶، بند ۴)؛

- حق اداره امور کشور به‌دست مردم (اصل‌های ۶، ۷، ۶۲، ۸۴، ۱۰۰ و ۱۱۴)؛

- حق انتخاب رئیس‌جمهور (اصل‌های ۶، ۷، ۱۱۴ و ۱۱۷)؛

- حق انتخاب نمایندگان مجلس (اصل‌های ۶، ۷ و ۶۲)؛

- حق انتخاب تصمیم‌گیران و اداره‌کنندگان جامعه (شوراها و...) (اصل‌های ۶، ۷، ۶۲، ۸۴ و ۱۰۰).

۳. دسته‌بندی حقوق معیار عدالت

برپایه آنچه گفته شد، می‌توان حقوق مردم را که در قانون اساسی آورده شده است و برای عدالت تعریف کردیم در شش گروه دسته‌بندی کرد. این شش گروه حقوق معیار و زیرشاخه‌های آن به شرح زیر است.

۳-۱. عدالت به معنای برابری (تبعیض)

عدالت به معنای برابری می‌تواند حقوق یادشده در زیر را از قانون اساسی دربرگیرد.

۱. رفع تبعیض؛

۲. برابری همه در برابر قانون؛
۳. برابری قومی، نژادی، زبانی و مانند اینها؛
۴. برخورداری از مقررات مذهبی در مناطق برای اقلیت‌ها؛
۵. برابری حقوق زن و مرد.

۲-۳. عدالت اقتصادی (عدالت به معنای رفاه عمومی)

عدالت اقتصادی می‌تواند حقوق یادشده در زیر از قانون اساسی را دربر گیرد.

۱. اقتصاد سالم عمومی؛
۲. رفاه؛
۳. رفع فقر؛
۴. برطرف کردن محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و داشتن شغل و آزادی شغل و مسکن؛
۵. حق مالکیت بر درآمد و دارایی؛

۳-۳. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی می‌تواند حقوق یادشده در زیر را از قانون اساسی دربر گیرد.

۱. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان؛
۲. تسهیل و تعمیم آموزش عالی؛
۳. آموزش نظامی عمومی؛
۴. تعمیم بیمه؛
۵. تأمین اجتماعی برای بازنشستگی، بی‌کاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث، سوانح، خدمات بهداشتی، درمانی و مراقبت‌های پزشکی (برای یک‌یک افراد)؛
۶. حمایت از کودکان بی‌سرپرست؛
۷. بیمه بیوگان و زنان سال‌خورده و بی‌سرپرست؛
۸. مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص؛
۹. مبارزه با فساد و تباهی؛
۱۰. نظام اداری سالم؛

۱۱. جلوگیری از ربا، غضب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقعیت، تصرف زمین‌های عمومی، اماکن فساد؛
۱۲. داشتن و استحکام خانواده؛
۱۳. ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن؛
۱۴. داشتن محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی؛
۱۵. برادری اسلامی و تعاون عمومی؛
۱۶. حمایت از مادران.

۳-۴. عدالت سیاسی

- عدالت سیاسی می‌تواند حقوق یادشده در زیر را از قانون اساسی دربر گیرد.
۱. محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛
 ۲. تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی؛
 ۳. آزادی رسانه‌ها (مطبوعات و نشریات)؛
 ۴. مشارکت همه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛
 ۵. حق بالا بردن آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با به‌کارگیری رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.

۳-۵. عدالت حقوقی قضایی

- عدالت قضایی می‌تواند حقوق یادشده در زیر را از قانون اساسی دربر گیرد.
۱. تأمین حقوق همه‌جانبه افراد؛
 ۲. امنیت قضایی عادلانه؛
 ۳. دسترسی به دادگاه؛
 ۴. داشتن وکیل؛
 ۵. دادگاه خانواده.

۳-۶. حقوق دیگر مردم

مردم علاوه بر حقوق یادشده حقوق بسیاری برعهده دولت‌مردان دارند که بسیار

گسترده است. برخی از این حقوق در بندهای یادشده گنجانده نشده‌اند که بررسی آنها با دشواری‌هایی روبه‌رو است. به دو نمونه از آنها اشاره می‌کنیم، اما در بررسی‌های بعدی برای حفظ انسجام و هماهنگی کار، آنها را وارد نمی‌کنیم.

۱. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در همه زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی؛

۲. استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش برای پیشبرد آنها.

۴. شاخص‌های موجود برای مؤلفه‌های شناسایی شده برای عدالت

در بخش پیشین، بازتعریفی از مفهوم عدالت از دیدگاه قانون اساسی به‌معنای دادن حق صاحبان حق به آنها با رویکرد توجه به عملیاتی بودن و قابلیت ارائه شاخص برای آنها، ارائه کردیم. در اینجا تلاش می‌کنیم مفاهیم یادشده را با شاخص‌هایی که در ادبیات شاخص‌های عدالت در دسترس است و نیز با شاخص‌هایی که در زمینه‌های دیگر موجود است، مقایسه کنیم تا از این رهگذر شاخص‌هایی را در این زمینه انتخاب کنیم و برای به‌کارگیری در این پژوهش بررسی کنیم. به همان ترتیبی که در بند پیشین، عدالت در قانون اساسی را در شش گروه دسته‌بندی کردیم، در اینجا تلاش می‌کنیم از بین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در دسترس، شاخص‌هایی را که با مفهوم‌های یادشده نزدیکی بیشتری دارند برگزینیم و معرفی کنیم تا در دنباله کار آن را در بررسی خود وارد کنیم.

۴-۱. شاخص‌های عدالت به‌معنای نبودن تبعیض

یکی از محورهای اصلی عدالت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تبعیض است که با شکل‌های گوناگون در قانون اساسی آمده است و ما آن را بیان کردیم؛ اینها می‌توانند با شاخص‌های گوناگونی نشان داده شوند. برخی از شاخص‌های قابل استفاده در این زمینه شاخص تبعیض جنسیتی و یا شاخص توانمندسازی جنسیتی و توسعه جنسیتی و تبعیض بین‌منطقه‌ای (تبعیض قومی، مذهبی و زبانی) است که شاخص تبعیض جنسیتی را می‌توان از شاخص‌های پایه برنامه ملل متحد استخراج کرد.



۲-۴. شاخص‌های عدالت اقتصادی (عدالت به معنای رفاه عمومی)

یکی از جنبه‌های عدالت، سلامت اقتصادی است که می‌توان آن را با شاخص‌های رفاه همگانی (درآمد برای همه مردم یا درآمد سرانه)، شاخص فقر انسانی، اشتغال (بیکاری)، تورم، فقر، فقر مسکن (برخورداری از مسکن مناسب)، فقر غذایی و امید به زندگی نشان داد. علاوه بر اینها در زمینه حقوق مالکیت، شاخص نقض حقوق مالکیت نیز به کار می‌رود. چنین شاخص‌هایی می‌تواند نشان‌دهنده برخورداری مردم از این جنبه عدالت باشد.

۳-۴. شاخص عدالت فرهنگی-اجتماعی (دو گروه)

دسترسی به آموزش همگانی و آموزش همگانی رایگان و تسهیل در آموزش عالی می‌تواند با شاخص‌های گوناگونی سنجیده شود. شاید یکی از بهترین این شاخص‌ها که در سطح جهانی به کار گرفته می‌شود، شاخص آموزش برنامه ملل متحد باشد که جزئی از شاخص توسعه انسانی نیز می‌باشد. این شاخص در سطح جهانی با آزمون‌های گوناگون و بازیابی‌های بسیار تکامل یافته و از برتری‌هایی برخوردار است. چون بخشی از آموزش عمومی در ایران به آموزش نظامی اختصاص دارد، می‌توان آن را نیز جزئی از آموزش عمومی در ایران به آموزش نظامی اختصاص داد، می‌تواند نشان‌دهنده برخورداری مردم کشور از این جنبه عدالت باشد. برای تربیت بدنی نیز می‌توان از نسبت هزینه‌های خصوصی تربیت بدنی دانش‌آموزان به بودجه تربیت بدنی رایگان استفاده کرد.

شاید بتوان گفت بیمه‌های اجتماعی، بسیاری از جنبه‌های عدالت اجتماعی را پوشش می‌دهند. به این علت از این شاخص در زمینه عدالت اجتماعی استفاده بسیار می‌شود. اندازه پوشش بیمه‌ای تأمین اجتماعی اصلی‌ترین شاخص از این نوع است. با نگاه به متن قانون اساسی می‌توان از آن در زمینه‌های گوناگون برای نشان دادن تحقق حقوق مردم استفاده کرد. بر این پایه می‌توان از شاخص‌هایی مانند درصد پوشش بیمه‌های اجتماعی (دربرگیرنده بازنشستگی، بی‌کاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث، سوانح، خدمات بهداشتی، درمانی و مراقبت‌های پزشکی، بیوگان و زنان سال‌خورده و بی‌سرپرست، نوزادان،

مادران و...) و برای کودکان بی سرپرست نیز از شاخص درصد کودکان بی سرپرست زیر پوشش حمایت‌های سازمان‌های حمایتی استفاده کرد.

تعدی به حقوق شخصی و اجتماعی و اموال همگانی ظلم است. بر این پایه اعمال خشونت علیه افراد، ربا، غصب، رشوه، اختلاس، دزدی، قمار، سوءاستفاده از موقعیت، تصرف زمین‌های همگانی، اماکن فساد و مانند اینها فساد به‌شمار می‌آیند که برای نشان دادن آن می‌توان شاخص‌های فساد اجتماعی و فساد اداری را به‌کار برد.

افزون بر این، شاخص‌هایی مانند نرخ طلاق، درصد خانواده‌های تک‌نفره و سن ازدواج می‌تواند نشانه اندازه تحقق حق برخورداری از خانواده مستحکم باشد. همچنین شاخص‌های توانمندسازی جنسیتی و توسعه جنسیتی می‌تواند نشانه زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن و حمایت از زنان باشد.

۴-۴. شاخص‌های عدالت سیاسی

آزادی و حق تعیین سرنوشت از حقوق پایه‌ای انسان‌ها است که می‌توان برای آن از شاخص‌های آزادی سیاسی، ثبات سیاسی، آزادی مطبوعات و نرخ مشارکت مردم در انتخابات استفاده کرد.

۴-۵. عدالت حقوقی-قضایی

شاخص‌های فساد اداری، نظام و قانونمندی، کیفیت مقررات، یکسانی دادگاه‌ها، برابری همه در برابر دادگاه، دسترسی همگانی به دادگاه، داشتن وکیل و امنیت قضایی می‌تواند نشان‌دهنده عدالت حقوقی-قضایی یادشده در قانون اساسی باشد.

۵. پیمایش برای ارزیابی شاخه‌های عدالت و وزن‌دهی به اجزای شاخص ترکیبی تلاش کردیم برپایه اصل‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق اجتماعی مردم را که باید به آنها داده شود، ارائه کنیم و برپایه تعریف عدالت اجتماعی به‌معنای «دادن حق هر صاحب حقی به او» این حقوق را پایه عدالت اجتماعی بدانیم. این حقوق بسیار گسترده هستند. برای بهره‌گیری بهتر از مفهوم این حق‌ها تلاش کردیم آنها را دسته‌بندی و در چارچوب ۷ شاخه عدالت از هم جدا کنیم که

این ۷ شاخه عدالت چنین هستند:

۱. عدالت به معنای برابری در همه جا (نبودن تبعیض)؛
۲. عدالت اقتصادی (عدالت به معنای برپایی رفاه همگانی)؛
۳. عدالت آموزشی؛
۴. عدالت بیمه‌ای؛
۵. سلامت اجتماعی؛
۶. عدالت سیاسی؛
۷. عدالت حقوقی قضایی.

همه حقوق مشخص شده از قانون اساسی در اینجا، ۳۶ حق است که هریک از این ۷ شاخه دربرگیرنده ۳ تا ۹ حق از ۳۶ حق یادشده است. پس از انجام پیمایش و برپایه پیشنهاد پاسخ‌گویان، ۳ شاخه عدالت آموزشی، عدالت بیمه‌ای و سلامت اجتماعی و اداری با هم یکی شدند و با عنوان شاخه عدالت اجتماعی وارد شدند. از این پس تحلیل بر این پایه انجام می‌شود. برای تشخیص درستی گزینش این شاخه‌ها و حقوق در نظر گرفته شده در زیر هر شاخه و همچنین امتیازدهی به آنها یک پیمایش از ۱۵ تن از صاحب‌نظران انجام شد. این پیمایش دو بخش داشته است. یک بخش برای امتیازدهی به ۷ زیرشاخه عدالت و بخش دوم برای گزینش شاخص مناسب و امتیازدهی به ۳۶ حق در نظر گرفته شده در زیر این شاخه‌های عدالت.

در بخش نخست یک جدول با ۷ سطر و ۳ ستون در نظر گرفته شد که در ستون نخست جدول، ردیف و در ستون دوم، شاخه عدالت تعیین شده قانون اساسی آورده شده است. ستون سوم جای نظر پاسخ‌گویان (صاحب‌نظران) درباره اهمیت و ارزش نسبی هریک از این ۷ شاخه است. از پاسخ‌گویان خواسته شده است، به این ۷ شاخه عدالت، به ترتیب اهمیت و ارزش آن (در ترکیب برای ساختن شاخص ترکیبی از ۷ گروه) رتبه ۱ تا ۷ بدهند؛ به گونه‌ای که شماره ۱ گویای بیشترین سهم و اهمیت و شماره بالاتر، گویای اهمیت و ارزش کمتر باشد.

در بخش دوم ۵ ستون برای ۳۶ سطر (هر سطر یک حق) در نظر گرفته شد که در ستون نخست، ردیف آورده شده است، در ستون ۲ زیرشاخه عدالت، در ستون

۳ حق تعیین شده (مستند متن ماده - بند) قانون اساسی آورده شده است. ستون ۴ جای نظر درباره پرسش است.

از پاسخ‌گویان خواسته شده است نخست در هر شاخه یکی از این حقوق را به‌عنوان مهم‌ترین حق مردم که بیشترین عامل برپایی عدالت است، مشخص کنند و به آن نمره ۱۰۰ بدهند. سپس دیگر حقوق آن شاخه را به تناسب آن نمره‌ای بدهند که نشان‌دهنده نسبت اهمیت آن به ۱۰۰ (مهم‌ترین عامل) باشد. سپس به همین ترتیب زیرشاخه‌های دیگر را نیز نمره‌دهی کنند. ستون ۵ یک یا چند شاخص را که داده‌های آن در دسترس است پیشنهاد کرده است که نشان‌دهنده برپایی حق یادشده باشد. در مقابل هر شاخص یک □ جای داده شده است. پاسخ‌گویان هر شاخصی را که برای نشان دادن حق تعیین شده در ستون ۳ مناسب تشخیص می‌دهند، با علامت مشخص کنند. همچنین از پاسخ‌گویان خواسته شده است چنانچه شاخص دیگری را برای این کار مناسب می‌دانند به‌عنوان مکمل در ستون ۶ و به‌عنوان جایگزین در ستون ۷ پیشنهاد کنند.

۱-۵. نتیجه بخش نخست پیمایش: ارزیابی شاخه‌های عدالت

در بخش نخست پیمایش، ۱۰ تن از پاسخ‌گویان پرسش‌نامه را کامل کرده‌اند. پس از انجام پیمایش و برپایه پیشنهاد پاسخ‌گویان، ۳ شاخه عدالت آموزشی، عدالت بیمه‌ای و سلامت اجتماعی و اداری با هم یکی شدند و با عنوان شاخه عدالت اجتماعی وارد شدند. از این پس تحلیل بر این پایه انجام می‌شود. برای جلوگیری از ناهماهنگی بین پاسخ‌ها و نمره‌ها از همان پایه شماره‌های ۱ تا ۷ استفاده می‌شود.

در نمره‌های داده‌شده کمترین نمره برای همه زیرشاخه‌ها برابر ۱ است. یعنی هر شاخه‌ای از این ۵ شاخه دست‌کم از نظر یکی از پاسخ‌گویان بیشترین اهمیت را داشته است. در برابر، بیشترین نمره که نشانه کمترین اهمیت است، چنین نبوده است. دامنه بیشترین نمره پاسخ‌گویان به هر شاخه از این ۵ شاخه از نمره ۳ تا نمره ۵ بوده است. بیشترین نمره پاسخ‌گویان به عدالت قضایی و عدالت اقتصادی از ۳ بیشتر نشده است، اما برای دیگر شاخه‌ها بیشتر شده و برای شاخه عدالت در آموزش و تبعیض به ۷ نیز رسیده است.



میانگین نمره‌های داده‌شده از سوی پاسخ‌گویان نیز نشان می‌دهد بالاترین رتبه این شاخه‌ها برای عدالت قضایی (۱/۸)، عدالت اقتصادی (۲)، عدالت سیاسی (۲/۸) و عدالت به‌معنای نبود تبعیض (۲/۹) است. پایین‌ترین رتبه نیز با نمره ۳/۴ برای عدالت بیمه‌ای، عدالت در آموزش و عدالت سلامت اجتماعی و اداری است. گفتنی است که در اینجا برای روا شدن (روایی) مؤلفه‌ها، کوشش شده است آنها از قانون اساسی بیرون آورده شوند. برای بررسی پایایی نیز از آلفای کرونباخ کمک گرفته شد که آماره ۰/۷۲ به‌دست آمد که پذیرفتنی است.

۲-۵. نتیجه بخش دوم پیمایش: وزن‌دهی به زیرشاخص‌ها یا اجزای شاخص ترکیبی بخش دوم پیمایش نیز مانند بخش نخست انجام شد. در اینجا افزون‌بر اینکه این نمره‌دهی‌ها انجام شد، برخی از پاسخ‌گویان درباره سنجه‌های پیشنهادی دیدگاه‌های ویژه‌ای داشتند که برخی از شاخص‌های پیشنهادی آنها برای کار، خوب بوده است. گفتنی است که در اینجا چون مؤلفه‌ها از قانون اساسی بیرون آورده شده‌اند، روایی آنها پذیرفته شده دانسته می‌شود. برای بررسی پایایی نیز از آلفای کرونباخ یاری گرفته شد که این آماره ۰/۵۲ به‌دست آمد که پذیرفتنی نیست. بر این پایه ما ضریب‌های زیر مؤلفه‌های زیرشاخص‌ها را نپذیرفتیم. بر این پایه و چون با این پیشنهادها در شاخص‌های پیشنهادی تغییر ایجاد می‌شود و از نگاه قانون اساسی دور می‌شدیم، همچنین برای برخی از زیرشاخص‌ها داده مناسب در دسترس نیست، وزن زیرشاخص‌ها را برابر گرفته‌ایم.

۶. ارائه شاخص ترکیبی

برپایه بررسی‌های این پژوهش و آنچه تا اینجا نوشته شد، در این بررسی پیشنهاد ما برای نشان دادن عدالت از دیدگاه قانون اساسی کشور، به‌کارگیری یک شاخص ترکیبی دارای ۵ شاخه پایه‌ای و در مجموع ۲۱ زیرشاخص است که در زیر آورده شده است. یادآوری می‌شود که با توجه به اینکه دیدگاه پاسخ‌گویان درباره زیرشاخص‌ها همگرا نبوده است و نیز برای برخی از زیرشاخص‌های پیشنهادی داده‌ای یافت نشد، برای زیرشاخص‌ها وزن برابر در نظر گرفته شده است. اما برای شاخه‌ها نمره یا وزن پاسخ‌گویان به‌کار رفته است.

جدول شماره (۱). شاخه‌های عدالت و وزن هریک در شناخت شاخص ترکیبی

۱	۲	۳
شماره	شاخه عدالت	وزن شاخه
۱	عدالت به معنای برابری	۱۸/۲
۲	عدالت اقتصادی	۲۲/۷
۳	عدالت اجتماعی	۱۶/۴
۴	عدالت سیاسی	۱۹/۱
۵	عدالت حقوقی قضایی	۲۳/۶

جدول شماره (۲). شاخه‌های عدالت و زیرشاخص‌های شاخص ترکیبی

۱	۲	۳
شماره	شاخه عدالت	زیرشاخص
۱	عدالت به معنای برابری	نابرابری جنسیتی
۲		تبعیض بین منطقه‌ای
۱	عدالت اقتصادی	توسعه انسانی
۲		نرخ بیکاری (م.امار)
۳		تورم
۴		آزادی اقتصادی
۵		شاخص فقر انسانی
۱	عدالت اجتماعی	شاخص آموزش برنامه توسعه ملل متحد
۲		نسبت بیمه‌شدگان به کل جمعیت
۳		امنیت اقتصادی
۴		درصد خانوارهای تک‌نفره
۵		کودکان بی‌سرپرست زیر پوشش سازمان‌های حمایتی
۶		شمار جرم‌ها در کشور
	عدالت سیاسی	حقی اعتراض مردم و پاسخ‌گویی حکومت
۲		آزادی مطبوعات
۳		نرخ مشارکت در انتخابات
	عدالت حقوقی قضایی	ثبات سیاسی
		کنترل فساد
۲		نظام حقوقی و حقوق مالکیت
		نقش قانون
		کیفیت مقررات

۷. محاسبه زیرشاخص‌ها و شاخص‌های هریک از ابعاد عدالت اجتماعی در

طول ۸ سال گذشته

شاخص‌هایی که در اینجا برای ترکیب و ساختن شاخص ترکیبی به کار گرفته شده است، گسترده و گوناگون هستند. داده‌های آنها نیز گوناگون است. ما کوشش کردیم داده‌های آنها را بر پایه منبع ساخت و انتشار شناسایی کرده و از این منبع‌ها

گردآوری کنیم. تلاش شده است چنانچه شاخصی از سوی ایرانیان ساخته و ارائه شده باشد، این شاخص و نیز داده‌هایی که از سوی نهادهای رسمی ساخته می‌شود به کار برده شوند.

بر این پایه داده‌های شاخص‌ها، گردآوری و با روش یادشده، اندازه‌گیری شد. اندازه زیرشاخص‌ها و شاخص‌های شاخه‌های عدالت و اجزای آنها برای سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ در گزارش پژوهش آورده شده است. در این اندازه‌گیری سال ۱۳۸۳ سال پایه قرار گرفته است و شاخص سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ به دو صورت اندازه‌گیری شده است. یکی شاخص بر پایه سال پایه ۱۳۸۳ است و اندازه هر زیرشاخص برای این سال برابر ۱۰۰ قرار گرفته است و سال‌های دیگر برپایه این اندازه (۱۰۰) بازاندازه‌گیری شده‌اند (سطرهای الف در جدول ۳). اندازه‌گیری دیگر برپایه شاخص تغییرات است که درصد تغییر هر زیرشاخص اندازه‌گیری شده است تا تغییرات و کاهش و افزایش هر زیرشاخص نیز روشن شود (سطرهای پ در جدول ۳). این دو شاخص با نام شاخص سال پایه ۱۰۰ و شاخص تغییرات آورده شده‌اند. در ساختن این دو شاخص ترکیبی برای هر شاخه از عدالت، وزن زیرشاخص‌ها برابر در نظر گرفته شده است و با میانگین‌گیری از آنها شاخص عدالت در هر شاخه ساخته شده است و در دو سطر پایانی، ردیف هر شاخه آورده شده است. همین دو شاخص یک‌بار نیز با وزن‌دهی برپایه پیمایش انجام‌شده، ساخته شده‌اند و در سطرهای ب و ت جدول آورده شده‌اند.

شاخص‌هایی که در اینجا برای ترکیب و ساختن شاخص ترکیبی به کار گرفته شده است، گسترده هستند و گوناگونی بسیاری دارند. بر این پایه داده‌های آنها نیز گوناگون است. بسیاری از آنها شاخص‌هایی هستند که داده‌های آن از سوی نهادهای ایرانی و جهانی گردآوری و ساخته می‌شود. کوشش کردیم داده‌های آنها را برپایه منبع ساخت و انتشار آن شناسایی کنیم و آنها را از این منبع‌ها گردآوری کنیم. کوشش شده است چنانچه در زمینه‌ای شاخصی از سوی ایرانیان ساخته شده باشد این شاخص و نیز داده‌هایی که از سوی نهادهای رسمی ساخته می‌شود به کار برده شود. منبع داده‌های شاخص‌ها و داده‌های پایه‌ای آنها در جدول شماره (۳) آورده شده‌اند.

بر این پایه داده‌های شاخص‌ها گردآوری شد و با روش یادشده، اندازه‌گیری شد. اندازه زیرشاخص‌های و شاخص‌های شاخه‌های عدالت و اجزای آنها برای سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ در جدول شماره (۴) آورده شده است. در این اندازه‌گیری سال ۱۳۸۳ سال پایه گرفته است و شاخص سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ به دو روش اندازه‌گیری شده است. یکی شاخص برپایه سال پایه که سال ۱۳۸۳ است و اندازه هر زیرشاخص برای این سال برابر ۱۰۰ گذاشته شده است و سال‌های دیگر برپایه این اندازه (۱۰۰) بازاندازه‌گیری شده‌اند. اندازه‌گیری دیگر برپایه شاخص تغییرها است که درصد تغییر هر زیرشاخص اندازه‌گیری شده است تا تغییرها و کاهش و افزایش هر زیرشاخص نیز روشن شود. این دو شاخص با نام شاخص سال پایه ۱۰۰ و شاخص تغییرها آورده شده‌اند. در ساختن شاخص ترکیبی برای هر شاخه از عدالت، وزن زیرشاخص‌ها برابر دیده شده است و با میانگین‌گیری از آنها شاخص عدالت در هر شاخه ساخته شده است و در دو سطر پایانی ردیف هر شاخه آورده شده است.

جدول شماره (۳). منبع داده‌ها

شاخص	منبع
نرخ تورم	مرکز آمار ایران شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی
شاخص توسعه انسانی	گزارش توسعه انسانی
نسبت بیمه‌شدگان به کل جمعیت	مرکز آمار ایران، سالنامه آماری
امنیت اقتصادی	گزارش آماری سالانه بانک جهانی
حق اعتراض مردم و پاسخ‌گویی حکومت	شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر (سال‌های مختلف)
نظام حقوقی و حقوق مالکیت	شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر (سال‌های مختلف)
کیفیت مقررات	گزارش آماری سالانه بانک جهانی
کنترل فساد	گزارش آماری سالانه بانک جهانی
آزادی اقتصادی ۶/۲۱	شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر (سال‌های مختلف)
نقش قانون	شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر (سال‌های مختلف)
نرخ بیکاری	نرخ بیکاری مرکز آمار ایران، سالنامه آماری
مشارکت در انتخابات	نرخ مشارکت در انتخابات مرکز آمار ایران، سالنامه آماری
شاخص تبعیض جنسیتی	شاخص تبعیض جنسیتی گزارش توسعه انسانی سازمان ملل
شاخص فقر انسانی	شاخص فقر انسانی گزارش توسعه انسانی سازمان ملل
شاخص آزادی حقوق مالکیت	شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر (سال‌های مختلف)
شاخص آموزش برنامه ملل متحد	شاخص آموزش گزارش توسعه انسانی
درصد کودکان بی‌سرپرست زیر پوشش حمایت‌های سازمان‌های حمایتی	درصد کودکان بی‌سرپرست از مرکز آمار ایران، سالنامه آماری
نبات سیاسی	نبات سیاسی از The Global Innovation Index
آزادی مطبوعات	آزادی مطبوعات از The Global Innovation Index
درصد خانوارهای تک‌نفره	مرکز آمار ایران سالنامه آماری
تبعیض بین‌منطقه‌ای	شاخص تبعیض بین منطقه‌ای در ایران (عزتی، ۱۳۹۱)
جرم‌ها	تعداد جرم‌های حکم‌داده‌شده گرفته‌شده از قوه قضائیه

جدول شماره (۴) شاخص‌های زیرشاخصه‌های عدالت

میانگین تغییرها	۵ سال										شاخص	۳ حق تعیین شده در قانون اساسی	۲ شاخه عدالت	۱
	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	شاخص					
	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	شاخص		حقوق تعیین شده در قانون اساسی	عدالت	۱	
	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	شاخص					
	۰/۴۸	۰/۴۷	۰/۴۷	۰/۴۶	۰/۴۷	۰/۴۸	۰/۴۹	۰/۵۷	شاخص		رفع تبعیض، برابری همه در برابر قانون، برابری حقوق زن و مرد، برابری قومی، نژادی، زبانی و مانند اینها. برخورداری از مقررات مذهبی در مناطق برای اقلیت‌ها، نبودن تبعیض بین مناطق در تخصیص بودجه.	به معنای برابری (نبودن تبعیض)	۱	
	۸۴	۸۲	۸۲	۸۱	۸۲	۸۴	۸۶	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰					
	۱۱۹	۱۲۱	۱۲۱	۱۲۴	۱۲۱	۱۱۹	۱۱۶	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰		تبعیض بین منطقه‌ای	۲		
	۲/۳۹	-۲	-۲	۲	۲	۲	۱۴	۱۰۰	شاخص تغییرها					
	۰/۱۱۶	۰/۰۷۷	۰/۱۱۴	۰/۱۱۴	۰/۱۲۵	۰/۱۱۰	۰/۱۰۴	-۱/۱۲۸	تبعیض بین منطقه‌ای		شاخص سال پایه ۱۰۰	۲		
	۹۱	۶۰	۸۹	۸۹	۱۰۵	۸۶	۸۱	۱۰۰	شاخص منفی					
	۱۱۰	۱۶۶	۱۱۲	۱۱۴	۹۵	۱۱۶	۱۲۳	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰		شاخص تغییرها	۲		
	-۱/۸۶	۳۲	۰	۱۵	-۲۲	-۶	۱۹	۱۰۰	شاخص تغییرها					
	۱۱۲/۵	۱۴۲/۵	۱۱۶/۵	۱۱۸	۱۰۸	۱۱۷/۵	۱۱۹/۵	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰ میانگین		شاخص تغییرها میانگین	۲		
	-۱/۲	-۲۶/۵	۱۶	-۱	۸/۵	-۲	۱۶/۵	۱۰۰	شاخص تغییرها میانگین					
	۰/۷۴۲	۰/۷۴۰	۰/۷۰۶	۰/۶۹۹	۰/۶۹۴	۰/۶۴۸	۰/۶۷	۰/۶۷	توسعه انسانی		اقتصاد سالم عمومی، رفاه و رفاه قشر.	عدالت اقتصادی	۱	
	۱۱۰	۱۱۰	۱۰۵	۱۰۴	۱۰۴	۱۰۲	۱۰۰	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰					
	۱/۴۳	-۰/۰	۵	۰	۲	۲	-۰/۰	۰/۰	شاخص تغییرها		نرخ بیکاری (م.ا.ا.ا)	۲		
	۱۲/۳	۱۳/۵	۱۱/۹	۱۰/۴	۱۰/۵	۱۱/۳	۱۱/۵	۱۰/۳	شاخص منفی					
	۱۱۹	۱۳۱	۱۱۶	۱۰۱	۱۰۲	۱۱۰	۱۱۲	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰		تورم	۳		
	۸۴	۷۶	۸۷	۹۹	۹۸	۹۱	۹۰	۱۰۰	شاخص تغییرها					
	۹	-۱۳	-۱۴	۱	۷	۲	-۱۲	۱۴/۶	شاخص منفی		حقوق مالکیت بر درآمد و دارایی، شغل و مسکن.	۳		
	۲۶/۴	۱۳/۸	۹/۴	۲۵/۷	۱۷/۲	۱۳/۷	۱۲/۱	۱۴/۶	شاخص منفی					
	۱۸۱	۹۵	۶۴	۱۷۶	۱۱۸	۹۴	۸۳	۱۰۰	شاخص منفی		حقوق مالکیت بر درآمد و دارایی، شغل و مسکن.	۳		
	۱۸۱	۹۵	۶۴	۱۷۶	۱۱۸	۹۴	۸۳	۱۰۰	شاخص منفی					

۱۹/۷۱	۳۰۰	۳۷۵	۲۵۰	۲۰۰	۱۷۵	۱۵۰	۱۲۵	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰	مساعد برای رشد فضایل اخلاقی، داشتن و استحکام خانواده، ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن حمایت از مادران، برادری اسلامی و تعاون عمومی.	
									شاخص تغییرها		
	۹۱۲	۸۷۶	۷۲۰	۱۴	۱۷	۲۰	۲۵	۶۰۰	شمار جرمها در کشور		
	۱۵۲	۱۴۶	۱۲۰	۱۱۲	۱۰۷	۱۰۳	۱۰۲	۱۰۰	شاخص منفی		
	۶۶	۶۸	۸۳	۸۹	۹۳	۹۷	۹۸	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰		
-۴/۸۶	-۲	-۱۵	-۶	-۴	-۴	-۱	-۲		شاخص تغییرها		
	۱۲۷	۱۲۲	۱۲۱	۱۱۰	۱۰۸	۱۰۲	۱۰۰	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰ میانگین		
۳/۵۷	۴	۱	۱۰	۲	۶	۲	۰		شاخص تغییرها میانگین		
	-۱/۵۵	-۱/۵۶	-۱/۵۳	-۱/۵۳	-۱/۵۳	-۱/۴۸	-۱/۳۰	-۱/۲۳	حق اعتراض مردم و پاسخگویی حکومت	محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، آزادی رسانه‌ها (مطبوعات و نشریات).	۱
	۱/۰۵	۱/۰۴	۱/۰۷	۱/۰۷	۱/۰۷	۱/۰۲	۱/۲۰	۱/۲۷	حق اعتراض مردم و پاسخگویی حکومت +۲,۵		
	۸۳	۸۲	۸۴	۸۴	۸۴	۸۰	۹۴	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰		
-۲/۵۷	۱	-۲	۰	۰	۵	-۱۵	-۶		شاخص تغییرها		
	۹۰/۰۰	۱۲۶/۶۰	۹۲/۵۶						آزادی مطبوعات	مشارکت همه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق بالا بردن آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها یا به کارگیری رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.	۲
								۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰		
									شاخص تغییرها		
	۷۶	۷۸	۸۰	۷۵	۷۰	۶۵	۶۰	۶۵	شاخص تغییرها		
	۱۱۷	۱۲۰	۱۲۳	۱۱۵	۱۰۸	۱۰۰	۹۲	۱۰۰	نرخ مشارکت در انتخابات		
۲/۴۳	-۳	-۲	۷	۷	۸	۸	-۸		شاخص سال پایه ۱۰۰		
	-۱/۴۵	-۱/۵۸	-۱/۵۲	-۱/۰۴	-۱/۰۵	-۱/۱۵	-۱/۸۳	-۱/۸۰	شاخص تغییرها		
	۱/۰۵	۰/۹۲	۰/۹۸	۱/۴۶	۱/۳۵	۱/۳۵	۱/۶۷	۱/۷	ثبات سیاسی		
	۶۲	۵۴	۵۸	۸۶	۸۵	۷۹	۹۸	۱۰۰	ثبات سیاسی +۲,۵		
-۵/۵۷	۱۳	-۶	-۳۳	۱	۷	-۱۹	-۲		شاخص سال پایه ۱۰۰		
	۸۷	۸۵	۸۸	۹۵	۹۲	۸۶	۹۵	۱۰۰	شاخص تغییرها		
									شاخص سال پایه ۱۰۰ میانگین		



۸. جمع‌بندی روند شاخص‌های عدالت

زیرشاخص‌های اندازه‌گیری شده عدالت روندهای گوناگونی داشته‌اند. هر شاخص نیز در برخی سال‌ها کاهش و در برخی سال‌ها افزایش یافته است. اندازه و تغییرهای این شاخص‌ها در جدول شماره (۴) آورده شد. شاخص‌های ترکیبی برای شاخص‌های پنج‌گانه عدالت نیز روندهای ناهمسان و گوناگونی داشته‌اند. تغییرهای این شاخص‌ها و روند آن در زیر جمع‌بندی می‌شود.

- شاخص ترکیبی عدالت به معنای برابری و نبودن تبعیض برای ایران، روند روبه‌بهبودی داشته است و میانگین تغییرهای سالیانه آن ۰/۲۱ درصد بهبودی را نشان می‌دهد.

- شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی برای ایران، روند پس‌رفت داشته است و میانگین تغییرهای سالیانه آن ۴ درصد بدتر شدن را نشان می‌دهد.

- شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی برای ایران روند روبه‌بهبود داشته است و میانگین تغییرهای سالیانه آن ۳/۵۷ درصد بهبودی را نشان می‌دهد.

- شاخص ترکیبی عدالت سیاسی برای ایران روند پس‌رفت داشته است و میانگین تغییرهای سالیانه آن ۱/۸۱ درصد بدتر شدن را نشان می‌دهد.

- شاخص ترکیبی عدالت حقوقی و قضایی برای ایران روند پس‌رفت داشته است و میانگین تغییرهای سالیانه آن ۳/۲ درصد بدتر شدن را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

پس از استخراج اجزای مفهومی عدالت براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این اجزا به وسیله یک پیمایش بین نخبگان منتخب ارزیابی شد و پس از جمع‌بندی نتایج پیمایش اول، برای وزن‌دهی بین اجزای مختلف شاخص نیز از پرسش‌نامه و پیمایش دوباره بین این افراد استفاده شد تا ترکیب، برپایه دیدگاه نخبگان به دست آید.

داده‌های آماری مورد نیاز برای اندازه‌گیری شاخص ترکیبی نیز شامل اطلاعات مختلفی می‌شود که اغلب از سوی مرکز آمار ایران یا بانک مرکزی در ایران و از سوی سازمان‌های جهانی گردآوری و در منابع منتشرشده توسط این نهادها درج

شده‌اند. در بخش اندازه‌گیری و بررسی شاخص‌ها، پس از جمع‌آوری داده‌ها و محاسبه شاخص‌ها، بررسی اولیه آماری با روش‌های آماری توصیفی انجام شده است. خلاصه شاخص ترکیبی عدالت و داده‌های آن در جدول شماره (۵) آورده شده است. به‌طورکلی از ۵ شاخص ترکیبی ساده و وزنی پایه ۱۰۰ و ساده و وزنی تغییرات، ۳ شاخص، اندکی بدتر شدن وضعیت را نشان می‌دهند و یک شاخص، اندکی بهبود را نشان می‌دهد. شاخص‌های ترکیبی تبعیض (برابری جنسیتی و تبعیض منطقه‌ای) اندکی بهبودی، عدالت اقتصادی، بدتر شدن، عدالت اجتماعی، اندکی بهبودی، عدالت سیاسی، بدتر شدن و عدالت قضایی هم بدتر شدن وضعیت را نشان می‌دهند. بر این پایه می‌توان گفت عدالت در سال‌هایی که در این بررسی آورده شده، بدتر شده است و کشور ما از راهی که در قانون اساسی و آرمان‌های نظام بر آن تأکید شده، دور شده است. این درحالی است که بسیاری از منابع مالی و اقتصادی مانند درآمد نفت در این سال‌ها در اوج خود بوده است و هیچ‌گونه مانعی نیز در راه تحقق عدالت نبوده است. اینکه چه چیزی باعث این گسترش بی‌عدالتی شده است، جای بررسی دارد، ولی این‌گونه شاخص‌ها که از مؤلفه‌های گوناگون ساخته شده و داده‌های گوناگونی هم در آن به‌کار رفته است، نشان‌دهنده جهت‌گیری‌ها و کلیت سیاست‌ها و کارکردهایی است که در این دوره از سوی دولت اجرا شده است.

جدول شماره (۵). شاخص‌های پنج‌گانه و شاخص ترکیبی عدالت

ردیف	شاخص عدالت	اندازه شاخص ترکیبی عدالت													
		۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	ضرب (وزن)	شاخص عدالت				
۱	عدالت به معنای نبود تبعیض														
الف	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰	۱۱۲/۵	۱۳۲/۵	۱۱۶/۵	۱۱۸	۱۰۸	۱۱۷/۵	۱۱۹/۵	۱۰۰	۱					
ب	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰ ضرب در وزن	۲۰/۸	۲۶/۸	۲۱/۲	۲۱/۵	۱۹/۷	۲۱/۴	۲۱/۷	۱۰۰	۰.۸۲					
پ	میانگین شاخص تغییرات	-۱۶/۵	۱۶	-۱	۸/۵	-۱۰	-۲	۱۶/۵		۱					
ت	میانگین شاخص تغییرات ضرب در وزن	-۰/۱	۲/۹	-۰/۲	۱/۵	-۱/۸	-۰/۴	۲		۰.۸۲					
۲	عدالت اقتصادی														
الف	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰	۹۵	۱۰۴	۱۱۵	۹۷	۱۰۲	۱۰۰	۱۰۳	۱۰۰	۱					
ب	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰ ضرب در وزن	۲۱/۶	۲۲/۶	۲۶/۸	۲۲	۲۲/۲	۲۲/۷	۲۲/۴	۱۰۰	۰.۲۲۷					
پ	میانگین شاخص تغییرات	-۴/۰	-۱۱/۲	۱۰/۴	-۹/۶	۰/۸	-۷/۲	۱/۴		۱					
ت	میانگین شاخص تغییرات ضرب در وزن	-۰/۰۹	-۲/۵	۲/۴	-۷/۲	۰/۲	-۰/۵	۰/۳		۰.۲۲۷					
۳	عدالت اجتماعی														
الف	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰	۱۲۷	۱۲۲	۱۲۱	۱۱۰	۱۰۸	۱۰۲	۱۰۰	۱۰۰	۱					
ب	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰ ضرب در وزن	۲۰/۸	۲۰	۱۹/۸	۱۸	۱۸/۱	۱۶/۷	۱۶/۴	۱۰۰	۰.۱۶۴					
پ	میانگین شاخص تغییرات	۳/۵۷	۱	۱۰	۲	۶	۲	۰		۱					
ت	میانگین شاخص تغییرات ضرب در وزن	۰/۵۹	۰/۲	۱/۶	۰/۳	۱	۰/۳	۰		۰.۱۶۴					
۴	عدالت سیاسی														
الف	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰	۸۷	۸۵	۸۸	۹۵	۹۲	۸۶	۹۵	۱۰۰	۱					
ب	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰ ضرب در وزن	۱۶/۶	۱۶/۲	۱۶/۸	۱۸/۱	۱۷/۶	۱۶/۴	۱۸/۱	۱۰۰	۰.۱۹۱					
پ	میانگین شاخص تغییرات	-۱/۸۱	-۴	-۸/۷	۳	۷	-۸/۷	-۵/۳		۱					
ت	میانگین شاخص تغییرات ضرب در وزن	-۰/۰۷	-۰/۸	-۱/۷	۰/۶	۱/۳	-۱/۷	-۱		۰.۱۹۱					
۵	عدالت حقوقی قضایی														
الف	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰	۷۹	۷۸	۸۰	۸۳	۸۸	۹۱	۹۶	۱۰۰	۱					
ب	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰ ضرب در وزن	۱۸/۶	۱۸/۴	۱۸/۹	۱۹/۶	۲۰/۸	۲۱/۵	۲۲/۷	۱۰۰	۰.۲۲۶					
پ	میانگین شاخص تغییرات	-۳/۲	-۱/۲	-۵/۲	-۴/۸	-۷/۲	-۵/۵	-۴		۱					
ت	میانگین شاخص تغییرات ضرب در وزن	-۰/۷۴	-۰/۳	-۱/۲	-۱/۸	-۰/۵	-۱/۳	-۰/۹		۰.۲۲۶					

منابع

الف - فارسی

- اخوان کاظمی، بهرام. ۱۳۷۹. «عدالت در اندیشه سیاسی غرب»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۵۴-۱۵۳.
- آرمان مهر، محمدرضا. ۱۳۹۰. *رالز-حکیمی*، قم: دلیل ما.
- دادگر، یداله. ۱۳۸۹. *تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی*، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- سمیونلز، وارن جی. و استیون جی. مدما. ۱۳۹۱. *تاریخ اندیشه‌های اقتصادی*، ترجمه محمدحسین وقار، تهران: نشر مرکز.
- عیوضلو، حسین. ۱۳۸۴. *عدالت و کارایی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۶. *تفسیر المیزان*، جلد ۲۴.
- عزتی، مرتضی. بهمن ۱۳۷۸. «جایگاه عدالت در نظام اسلامی از دیدگاه حضرت امام خمینی»، *اولین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی دانشگاه تربیت مدرس*.
- عزتی، مرتضی. پاییز ۱۳۹۲. «تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای در ایران»، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، شماره ۳.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۸۸. *عدل الهی*، تهران: صدرا.
- حکیمی، محمدرضا و دیگران. ۱۳۸۱. *الحیات*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، جلد ۳.
- حکیمی، محمدرضا و دیگران. ۱۳۶۷. *الحیات*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، جلد ۶.
- فرزین، محمدرضا و همکاران. ۱۳۸۸. *طرح پژوهشی ارزیابی نحوه اجرای سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی (با استفاده از شاخص‌ها)*، کمیسیون نظارت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- امیری، نعمت‌اله. ۱۳۹۱. «روش محاسبه شاخص توسعه انسانی»، *مجله اقتصادی*، ماهنامه *بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۱۲، صص ۱۳۸-۱۳۱.
- خدادادکاشی، فرهاد؛ باقری، فریده؛ حیدری، خلیل و امید خدادادکاشی. ۱۳۸۱. *اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران، کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر، شاخص فقر*، ۱۳۷۹-۱۳۶۳، مرکز آمار ایران.
- سلیمانی، فاطمه. پاییز ۱۳۸۵. «عدالت در آفرینش، ارزیابی نظرات متکلمان معاصر مسیحی برمبنای فلسفه اسلامی»، *دوفصلنامه تخصصی حکمت سینوی (مشکوٰۃ النور)*،

شماره ۳۴.

سن، آمارتیا. ۱۳۸۱. *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی، تهران: انتشارات دستان، چاپ اول.
خاندوزی، احسان. ۱۳۹۰. *تیین عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلامی*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
صدر، محمدباقر. ۱۳۵۶. *اقتصاد ما*، ترجمه اسپهبدی.

ب - انگلیسی

- Charles, Kerwin K., and Jonathan Guryan. 2007. ***Prejudice and the Economics of Discrimination***, Working Paper No. 13661, NBER, Cambridge, MA.
- Christoffer Badse et al. 2006. ***Common Measures for Discrimination II: Recommendations for Improving the Measurement of Discrimination***, Published by The Norwegian Equality and Anti-discrimination Ombud and Danish Institute of Human Rights.
- Ellen A. Ensher, Elisa J. Grant-Vallone, Stewart I. Donaldson. 2001. "Effects of Perceived Discrimination on Job Satisfaction, Organizational Commitment, Organizational Citizenship Behavior and Grievances", ***Human Resource Development Quarterly***, Vol. 12, No. 1, pp. 53-72
- Michigan State University Board of Trustees. 2009. ***Interpreting the Index of Discrimination***.
- U.S. Equal Employment Opportunity Commission, in: <http://www.eeoc.gov/graphics/seal.png>.
- The Anti-Discrimination Board of NSW, in: [http://www.lawlink.nsw.gov.au/lawlink/Corporate/ll_corporate.nsf/vwFiles/ll_banner_slogan.jpg/\\$file/ll_banner_slogan.jpg](http://www.lawlink.nsw.gov.au/lawlink/Corporate/ll_corporate.nsf/vwFiles/ll_banner_slogan.jpg/$file/ll_banner_slogan.jpg).
- United Nations Development Programme, ***Human Development Report 2012 chaim Perelman***, Justice et Raison, 2e ed. 1970, Edition de Universitit de Bruxelles, pp. 12-14.
- <http://www.adviceguide.org.uk/england.htm>.